

تغییرات ساختاری در الگوی تجارت جهانی

شکوه سادات سیدعلی اکبر

اشاره

تغییرات ساختاری در اقتصاد جهان در ربع قرن اخیر بسیار چشمگیر و فراگیر بوده و تغییرات مهمی را در رشد تجارت جهانی، رشد تولید ناخالص داخلی و گسترش مراکز شهری جهان بوجود آورده است. در شماره ۲۴ مجله ضمن بررسی چگونگی تغییرات ساختاری در بخش کشاورزی اقتصاد جهان، به این نتیجه رسیدیم که انقلاب مکانیکی، بیولوژیکی و شیمیایی در بخش کشاورزی، منجر به بیکاری میلیون‌ها کارگر در این بخش شده و در کشورهای با درآمد متوسط، آسیای شرقی و حوزه اقیانوس آرام، نسبت اشتغال در بخش کشاورزی به کل نیروی کار آن کشورها طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۹ کاهش یافته است.

در این شماره نیز به بررسی چگونگی تغییرات ساختاری در الگوی تجارت جهانی و پیامدهای آن می‌پردازیم.

بانک و اقتصاد

مقدمه

تحولات ساختاری، در بیش از یک ربع قرن اخیر تغییرات مهمی را در رشد اقتصادی کشورها، تجارت بین‌الملل و گسترش مراکز شهری ایجاد کرده است. سومین انقلاب صنعتی درست بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد و بخش‌های حمل و نقل، مخابرات و تکنولوژی اطلاعات به سرعت رشد کردند و دولت‌ها به تدریج سیاست‌های آزادسازی اقتصادی را در پیش گرفتند و سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی جهان تغییر پیدا کرد و سازمان‌های بین‌المللی، زمینه توسعه ارتباطات جهانی را فراهم کردند و بسیاری از موانع تجاری را از سر راه رشد تجارت جهانی برداشتند. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) که در سال ۱۹۴۸ تحقق یافت، موجبات انتقال از دنیای تجارت سنتی به تجارت مدرن را فراهم ساخت تا اینکه در سال ۱۹۹۵ وظایف خود را به سازمان جهانی تجارت (WTO) محول کرد و در حال حاضر، بیش از ۸۰ درصد تجارت

جهان در اختیار کشورهای عضو این سازمان قرار دارد. کشورهای غیر عضو نیز به منظور بهره‌مندی از مزایای تجارت جهانی و فراهم آوردن زمینه‌های گسترش رقابت، کاهش هزینه‌های تولید و افزایش تولید کالاهای قابل رقابت در سطح جهانی، به تدریج و ناگزیر درصدد عضویت در این سازمان هستند.

شایان ذکر است که تجارت جهان به کمک آزادسازی تجاری از ۲۸ درصد GDP جهان در سال ۱۹۷۰، به ۵۲ درصد GDP جهان در سال ۱۹۹۹ رسید. نسبت صادرات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی دنیا نیز طی سال‌های ۹۵-۱۹۶۵ روند افزایشی داشته و صادرات کالاهای صنعتی به عنوان درصدی از کل صادرات کالاها و خدمات افزایش یافته است.

در این مقاله، ابتدا کاهش رشد تولید ناخالص داخلی دنیا مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به بررسی موانع تجاری کشورها پرداخته می‌شود و پس از آن، افزایش سهم صادرات کالاها و خدمات در تولید داخلی کشورها بررسی می‌شود. در بخش بعدی نیز سهم گروه کشورهای در حال توسعه در صادرات جهان بررسی می‌شود. پس از آن، به اهمیت کشورهای عضو گروه ۱۳ در میان گروه کشورهای صنعتی در زمینه صادرات کالاهای صنعتی اشاره می‌شود و سرانجام، تغییرات ساختاری در صادرات کالاهای تجاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تغییرات ساختاری

۱- کاهش رشد تولید ناخالص داخلی جهان: یکی از موضوعاتی که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که علیرغم تغییرات گسترده در الگوی اقتصاد جهان، تولید ناخالص داخلی دنیا افزایش نیافته است. به عبارت دیگر، متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در دهه ۱۹۸۰، معادل ۳/۱ درصد بوده و در دهه ۱۹۹۰ به ۲/۳ درصد کاهش یافته است و در مورد کشورهای صنعتی نیز این نرخ در دهه ۱۹۸۰، به ۳ درصد و در دهه ۱۹۹۰ به ۲ درصد کاهش یافته است (جدول شماره یک). به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که تجارت جهانی نیز افزایش نیافته، بلکه تنها نسبت تجارت به تولید ناخالص

داخلی کشورها بالا رفته است (نمودار شماره یک).

جدول شماره یک
متوسط رشد سالانه تولید
ناخالص داخلی واقعی

(درصد رشد)

صنایع	۱۹۶۰-۷۰	۱۹۷۰-۸۰	۱۹۸۰-۹۰	۱۹۹۰-۹۷
دنیا	۵/۳	۳/۵	۳/۸	۲/۳
کشورهای صنعتی	۵/۲	۳/۲	۲/۰	۲/۰
کشورهای در حال توسعه	۵/۷	۵/۴	۳/۷	۵/۳
گروه ۱۳	۶/۲	۵/۹	۲/۸	۶/۲
دیگر کشورهای در حال توسعه	۴/۶	۳/۹	۲/۲	۲/۳

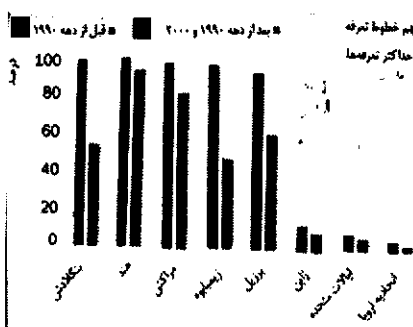
Source: World Development Indicators.

۲- کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای:

کشورها با بکارگیری ترکیبی از تعرفه‌ها و معیارهای دیگر، میزان واردات خود را تنظیم می‌کنند، حتی وقتی که متوسط نرخ‌های تعرفه پایین است، نرخ‌های تعرفه بالا یا حداکثر (نرخ‌های بالای ۱۵ درصد) بر واردات کالاهای آسیب‌پذیر (Sensitive Commodities) بسته می‌شود که اغلب این نوع کالاها توسط فقیرترین مردم جهان تولید می‌شود. در اروپای واحد و ژاپن حداکثر نرخ‌های تعرفه بر روی کالاهای کشاورزی و در ایالات متحده بر

نمودار شماره دو

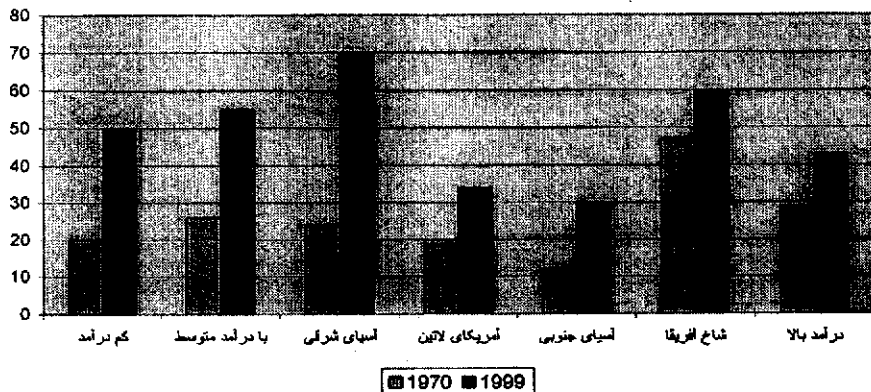
سهم واردات با تعرفه‌های بالا در بعضی از کشورها



Source: World Development Indicators 2002 database.

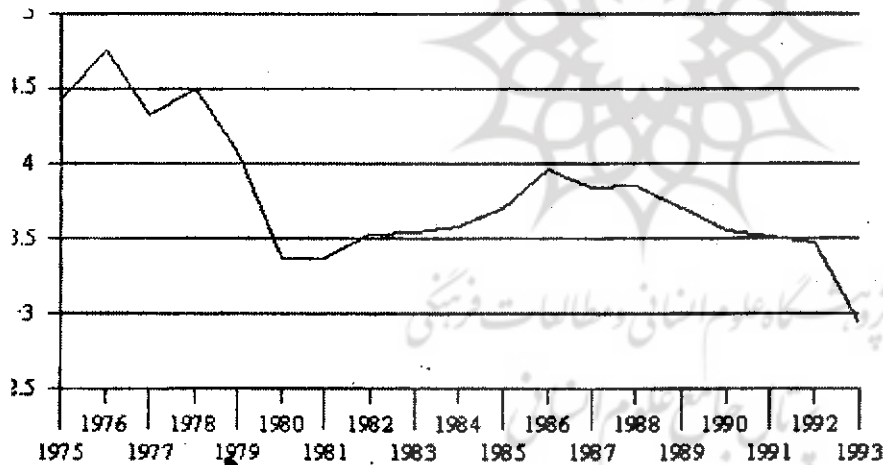
نمودار شماره یک

نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی



نمودار شماره سه

نسبت عوارض وارداتی به کل واردات دنیا



نمودار شماره دو

روی منسوجات و پارچه است. برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه درصد بالایی از واردات با نرخ‌های تعرفه بسیار بالا صورت می‌گیرد. در عین حال، سهم تعرفه‌ها در کشورهای از قبیل بنگلادش، برزیل و زیمبابوه در دهه اخیر کاهش یافته است (نمودار شماره دو).

وجود موانع غیر تعرفه‌ای نیز به محدودیت واردات منجر می‌شود. این موانع شامل سهمیه‌بندی، ممنوعیت و اخذ مجوزهای مختلف و غیره می‌باشند. سوبسیدهای بالایی که کشورهای توسعه‌یافته به محصولات کشاورزی خود پرداخت می‌کنند، باعث می‌شود که واردات این کالاها کاهش یابد و این امر به ضرر کشورهای در حال توسعه صادرکننده کالاهای کشاورزی است.

در حال حاضر، با اتخاذ سیاست‌های آزادسازی تجاری از سوی دولت‌ها، تعرفه‌ها به تدریج جانشین محدودیت‌های مقداری می‌شود و عوارض گمرکی و سهمیه‌بندی‌ها در بیشتر کشورهای دنیا کاهش یافته است (نمودار شماره سه).

۳- افزایش سهم صادرات کالا و خدمات در تولید ناخالص داخلی کشورها: نمودار شماره چهار روند افزایش صادرات کالاها و خدمات را در کل تولید ناخالص داخلی جهان طی سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۶ نشان می‌دهد.

ارقام مندرج در جدول شماره دو نیز حاکی از آن است که در سال ۱۹۷۰، سهم صادرات کالا و خدمات در تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی ۱۳/۲ درصد بوده و در سال ۱۹۹۵ به ۱۹/۳ درصد افزایش یافته است و در کشورهای در حال توسعه، سهم صادرات کل در تولید ناخالص داخلی آنها در سال ۱۹۷۰، معادل ۱۲ درصد بوده که در سال ۱۹۹۵ به ۳۰ درصد افزایش می‌یابد. این نرخ در مورد کشورهای عضو گروه ۱۳ بسیار چشمگیر بوده، به طوری که در سال ۱۹۷۰ تنها ۷/۴ درصد از کل تولید ملی آنها به صادرات اختصاص داشته و در سال ۱۹۹۵ این نسبت به ۳۱/۴ درصد افزایش یافته است.

۴- افزایش سهم گروه کشورهای در حال توسعه در صادرات کالاهای ساخته شده جهان: یکی دیگر از مواردی که باید مورد توجه قرار گیرد، افزایش

در صادرات کالاهای ساخته شده جهان کاهش یافته و سهم کشورهای در حال توسعه، عضو گروه ۱۳ و دیگر کشورهای در حال توسعه افزایش یافته است.

سهم گروه کشورهای در حال توسعه در صادرات کالاهای ساخته شده جهان در سال ۱۹۸۰ معادل ۱۱/۷ درصد بوده که در سال ۱۹۹۶ به ۲۵/۱ درصد افزایش یافته و این در حالی است که سهم گروه کشورهای صنعتی در سال ۱۹۸۰، معادل ۸۲/۳ درصد بوده که در سال ۱۹۹۶ به ۷۲/۳ درصد کاهش یافته است (جدول شماره سه).

۵- افزایش سهم صادرات کشورهای عضو گروه

سهم گروه کشورهای در حال توسعه در صادرات کالاهای ساخته شده جهان است. جدول شماره سه نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۶ سهم کشورهای صنعتی

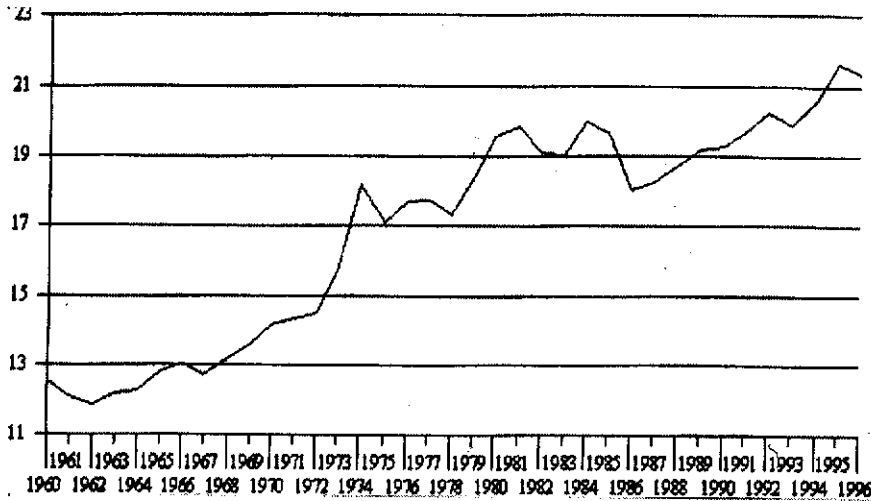
جدول شماره دو

صادرات کالا و خدمات نسبت به تولید ناخالص داخلی

شرح	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵
کشورهای صنعتی	۱۱/۶	۱۳/۲	۱۷/۱	۱۹/۶	۱۷/۱	۱۸/۲	۱۹/۳
کشورهای در حال توسعه	۱۱/۴	۱۲/۰	۱۸/۰	۲۳/۴	۲۰/۰	۲۵/۴	۲۹/۹
گروه ۱۳	۷/۴	۷/۹	۱۱/۲	۱۷/۱	۱۹/۵	۲۴/۴	۳۱/۴
دیگر کشورهای در حال توسعه	۱۷/۶	۱۸/۱	۲۷/۱	۳۰/۶	۲۰/۷	۲۷/۳	۲۶/۵

نمودار شماره چهار

صادرات کالا و خدمات به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی دنیای



جدول شماره پنج

درصد صادرات کالاهای ساخته شده
کشورهای صنعتی به:

شرح	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۶
دیگر کشورهای صنعتی	۶۷/۵	۷۲/۰	۷۶/۷	۶۹/۸	۶۹/۵
گروه کشورهای ۱۳	۱۱/۱	۱۱/۴	۱۲/۱	۱۷/۹	۱۷/۷
دیگر کشورهای در حال توسعه	۱۶/۴	۱۲/۶	۸/۳	۸/۲	۸/۳
کل کشورهای در حال توسعه	۲۷/۵	۲۲/۰	۲۰/۴	۲۶/۱	۲۶/۰

اما یک تغییر مهم تر در کشورهای عضو گروه ۱۳ بوجود آمد و آن هم افزایش درصد صادرات کالاهای ساخته شده به کشورهای صنعتی در دهه ۱۹۸۰ بود. به طوری که در سال ۱۹۸۰ درصد صادرات کالاهای ساخته شده به کشورهای صنعتی ۶۰/۶ درصد بود که در سال ۱۹۸۷ به ۶۷/۰ درصد افزایش یافت. این سهم در مورد کشورهای در حال توسعه روبه کاهش بود. به طوری که در سال ۱۹۸۰ این درصد ۳۷/۱ بود و در سال ۱۹۸۷ به ۳۰/۹ درصد کاهش یافت. از طرف دیگر، تجارت کالاهای ساخته شده میان کشورهای عضو گروه ۱۳ به طور قابل توجهی افزایش پیدا کرد، به طوری که طی سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۶ از ۲۰/۹ درصد، به ۳۶/۲ درصد رسید (جدول شماره شش).

اما در دهه ۱۹۹۰ صادرات کالاهای ساخته شده گروه ۱۳ به کشورهای صنعتی کاهش یافت و از ۶۰/۲ درصد در سال ۱۹۹۰، به ۵۵/۴ درصد در سال ۱۹۹۶ رسید. ولی روند کاهشی صادرات دهه ۱۹۸۰ به

به این ترتیب، ملاحظه می شود که اگرچه آزادسازی تجاری به گسترش صادرات منجر شده است، ولی این توسعه تنها در معدودی از کشورهای در حال توسعه، از جمله کشورهای عضو گروه ۱۳ اتفاق افتاده و در سایر کشورهای در حال توسعه تغییر اساسی در بافت رابطه تجاری آنها با کشورهای صنعتی روی نداده است.

تجزیه و تحلیل در مورد تغییر الگوی جهانی از طریق بررسی تجارت کالاهای ساخته شده، روشن تر خواهد شد. تا اواخر دهه ۱۹۸۰، تجارت کالاهای ساخته شده در میان اقتصادهای توسعه یافته بالاترین رشد را داشت، یعنی درصد صادرات کالاهای ساخته شده کشورهای صنعتی به دیگر کشورهای توسعه یافته در سال ۱۹۸۰، معادل ۶۷/۵ درصد بود و در سال ۱۹۹۰ به بالاترین رقم، یعنی به ۷۶/۷ درصد رسید، در حالی که درصد صادرات کالاهای ساخته شده کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۸۰، معادل ۲۷/۵ درصد بود و در سال ۱۹۹۰ به ۲۰/۴ درصد کاهش یافت. این روند، در دهه ۱۹۹۰ کاملاً برعکس شد، به طوری که در سال ۱۹۹۶، درصد صادرات کالاهای ساخته شده کشورهای صنعتی به دیگر کشورهای توسعه یافته به ۶۹/۵ درصد کاهش یافت و درصد صادرات کالاهای ساخته شده به کشورهای در حال توسعه به ۲۶/۰ درصد افزایش یافت (جدول شماره پنج).

جدول شماره چهار

درصد سهم گروه ۱۳ از کل کشورهای در حال توسعه

شرح	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
کل صادرات	۳۹/۵	۳۵/۸	۳۸/۸	۵۶/۹	۶۲/۰	۷۴/۱		
صادرات کالاهای ساخته شده	۴۷/۸	۴۲/۴	--	۵۹/۲	۷۵/۵	۸۱/۷	۷۸/۹	۷۵/۲

جدول شماره سه
سهم گروه کشورهای در صادرات کالاهای ساخته شده جهان

سال	کشورهای صنعتی	کشورهای عضو گروه ۱۳	کشورهای دیگر کشورهای در حال توسعه	کل کشورهای در حال توسعه
۱۹۸۰	۸۲/۳	۸/۶	۲/۱	۱۱/۷
۱۹۸۱	۸۲/۶	۹/۶	۲/۰	۱۲/۶
۱۹۸۲	۸۲/۳	۱۰/۰	۲/۰	۱۲/۰
۱۹۸۳	۸۱/۱	۱۱/۲	۲/۰	۱۲/۲
۱۹۸۴	۸۰/۱	۱۲/۲	۲/۰	۱۵/۲
۱۹۸۵	۸۰/۴	۱۱/۸	۲/۲	۱۵/۰
۱۹۸۶	۸۱/۳	۱۱/۷	۲/۸	۱۴/۵
۱۹۸۷	۷۹/۷	۱۲/۵	۲/۸	۱۶/۳
۱۹۸۸	۷۹/۵	۱۳/۸	۲/۱	۱۷/۹
۱۹۸۹	۷۸/۸	۱۵/۲	۲/۲	۱۸/۴
۱۹۹۰	۷۹/۳	۱۵/۳	۲/۱	۱۹/۷
۱۹۹۱	۷۸/۶	۱۶/۸	۲/۹	۲۱/۳
۱۹۹۲	۷۶/۷	۱۸/۴	۲/۹	۲۳/۲
۱۹۹۳	۷۴/۴	۲۰/۲	۲/۰	۲۴/۳
۱۹۹۴	۷۳/۴	۲۱/۲	۲/۱	۲۴/۹
۱۹۹۵	۷۲/۵	۲۱/۷	۲/۲	
۱۹۹۶	۷۲/۳	۲۲/۱	۲/۵	۲۵/۱

۱۳ در کل صادرات کشورهای در حال توسعه: عملکرد گروه ۱۳ در میان کشورهای در حال توسعه، مخصوصاً در زمینه صادرات بسیار شگفتی آور بوده است، زیرا اولاً، افزایش سهم صادرات این گروه در تولید ناخالص داخلی چشمگیر بوده، به طوری که از ۷/۴ درصد در سال ۱۹۶۵، به ۳۱/۴ درصد در سال ۱۹۹۵ می رسد (جدول شماره دو)؛ ثانیاً، سهم صادرات این گروه در کل صادرات کالاهای ساخته شده جهان در سال ۱۹۸۰، معادل ۸/۶ درصد بوده که در سال ۱۹۹۶ به ۲۲/۱ درصد افزایش می یابد (جدول شماره سه)؛ ثالثاً، درصد سهم صادرات گروه ۱۳ از کل صادرات کشورهای در حال توسعه روبه افزایش بوده، به طوری که در سال ۱۹۷۰، معادل ۳۹/۵ درصد از این سهم متعلق به این گروه بوده و در سال ۱۹۹۵ به ۷۴/۱ درصد افزایش یافته است. در مورد صادرات کالاهای ساخته شده نیز این روند به چشم می خورد، یعنی سهم صادرات کالاهای ساخته شده گروه ۱۳ از صادرات کالاهای ساخته شده کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۰، معادل ۴۷/۸ درصد بوده که در سال ۱۹۹۷ به ۷۵/۲ درصد می رسد (جدول شماره چهار).

ساخته شده که چگونگی آنها طی سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۹ مورد مقایسه قرار می‌گیرد (جدول شماره هفت). کل صادرات کالاهای تجاری در جهان در سال ۱۹۹۰، رقم ۲۳۴۵ هزار تریلیون دلار بود که در سال ۱۹۹۹ به ۵۴۴۲ هزار تریلیون دلار رسید (جدول شماره هفت). درصد صادرات مواد غذایی به کل صادرات دنیا در سال ۱۹۹۰، معادل ۱۰ درصد بود و در سال ۱۹۹۹ به ۸ درصد کاهش یافت. درصد صادرات محصولات کشاورزی به کل صادرات در سال ۱۹۹۰ حدود ۳ درصد بود که در سال ۱۹۹۹ به ۲ درصد کاهش یافت و نیز صادرات سوخت‌ها به کل صادرات از ۸ درصد، به ۵ درصد و صادرات محصولات معادن و فلزات از ۴ درصد، به ۳ درصد کاهش یافته است. به این ترتیب، تنها سهم صادرات کالاهای ساخته شده در کل صادرات افزایش یافته، به طوری که از ۷۴ درصد در سال ۱۹۹۰، به ۷۹ درصد در سال ۱۹۹۹ رسیده است (جدول شماره هفت و نمودار شماره پنج).

خلاصه و نتیجه گیری

جهانی شدن در سال‌های اخیر به مفهوم افزایش تجارت جهانی نبوده و علیرغم تغییرات گسترده در بخش‌های حمل و نقل، ارتباطات و تکنولوژی اطلاعات، رشد تولید ناخالص داخلی دنیا افزایش نیافته است.

۶- تغییر در ترکیب صادرات کالاهای تجاری: به منظور بررسی ساختار صادرات کالاهای تجاری در کشورهای مختلف این محصولات را به پنج گروه مختلف تقسیم می‌کنیم: مواد غذایی، مواد اولیه محصولات کشاورزی، سوخت‌ها، فلزات و معادن و کالاهای

کشورهای در حال توسعه به روند افزایش در دهه ۱۹۹۰ تبدیل شد و درصد صادرات کالاهای ساخته شده گروه ۱۳ به کشورهای در حال توسعه از ۳۷/۸ درصد در سال ۱۹۹۰، به ۴۳/۳ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت (جدول شماره شش).

جدول شماره شش

درصد کالاهای صادراتی ساخته شده گروه ۱۳ به کشورهای:

شرح	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۸۷	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۶
کشورهای صنعتی	۶۰/۶	۶۵/۴	۶۷/۰	۶۰/۳	۵۴/۶	۵۵/۴
کشورهای گروه ۱۳	۲۰/۹	۲۱/۵	۲۲/۶	۳۰/۸	۳۶/۲	۳۶/۲
دیگر کشورهای در حال توسعه	۱۶/۲	۱۰/۲	۸/۳	۷/۰	۷/۹	۷/۱
کل کشورهای در حال توسعه	۳۷/۱	۳۱/۷	۳۰/۹	۳۷/۸	۴۴/۱	۴۳/۳

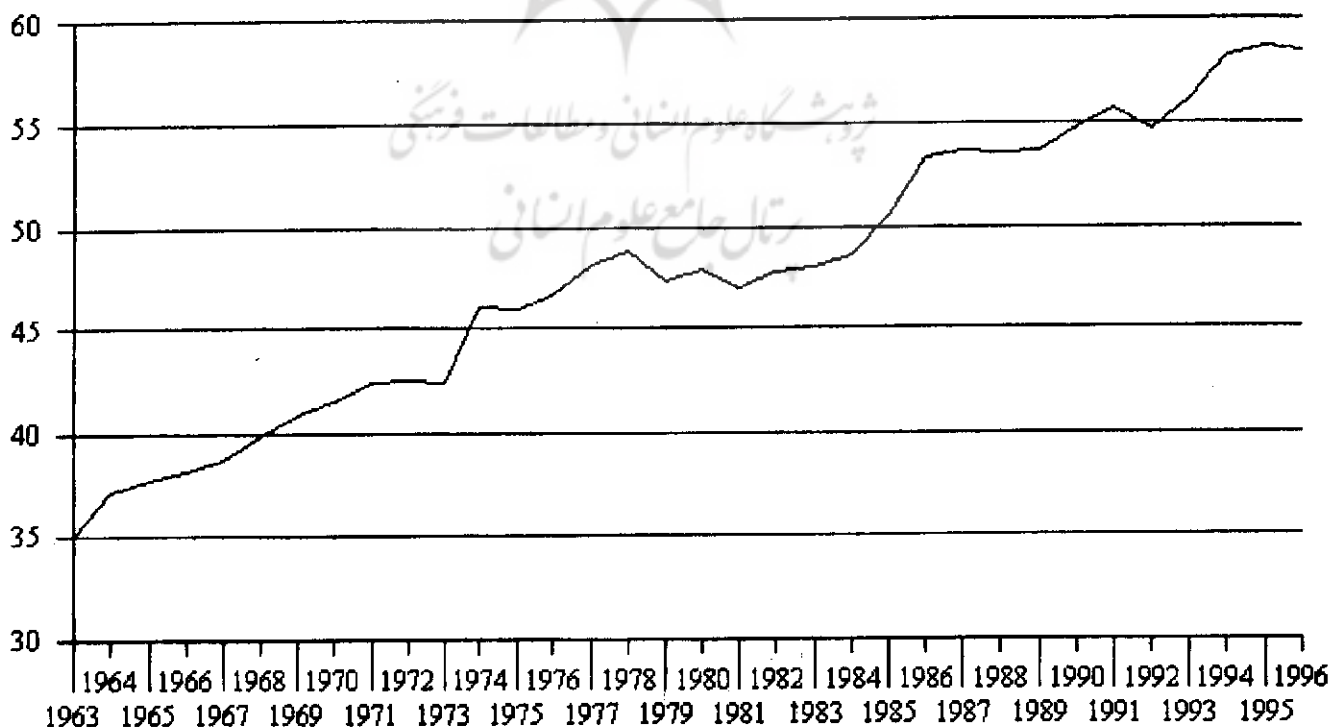
○ علیرغم تغییرات گسترده در الگوی اقتصاد جهان، تولید ناخالص داخلی دنیا افزایش نیافته است.

○ طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۶ سهم کشورهای صنعتی در صادرات کالاهای ساخته شده جهان کاهش و سهم کشورهای در حال توسعه افزایش یافته است.

به این ترتیب، الگوی تجاری که میان گروه کشورهای ۱۳ و گروه کشورهای در حال توسعه وجود دارد، هیچگونه شباهتی به الگوی تجارت میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه ندارد. به عبارت دیگر، کشورهای در حال توسعه هنوز به کشورهای عضو گروه ۱۳ و کشورهای صنعتی، محصولات اولیه صادر می‌کنند و در مقابل، کالاهای ساخته شده وارد می‌کنند، در حالی که کشورهای عضو گروه ۱۳ به کشورهای صنعتی کالاهای ساخته شده صادر می‌کنند و از بیمه دهه ۱۹۸۰، تقریباً در این مورد موازنه برقرار شده است.

نمودار شماره پنج

نسبت صادرات کالاهای ساخته شده به کل صادرات کالا و خدمات جهان



جدول شماره هفت

تغییرات ساختاری در صادرات گروه کشورهای مختلف (درصد به کل صادرات)

(میلیارد دلار)

گروه کشورها	صادرات کالاهای تجاری		مواد غذایی		مواد اولیه کشاورزی		سوختها		معادن و فلزات		کالاهای ساخته شده	
	۱۹۹۹	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۱۹۹۰
دنیا	۵۴۴۲	۳۳۴۵	۸	۱۰	۲	۳	۵	۸	۳	۴	۷۹	۷۴
کم درآمد	۱۷۴	۱۰۸	۱۵	۱۵	۳	۴	۲۰	۲۸	۳	۴	۵۲	۴۸
با درآمد متوسط	۱۲۱۹	۶۲۳	۱۰	۱۵	۲	۴	۱۲	۱۹	۴	۵	۶۸	۵۴
با درآمد متوسط روبه پایین	۵۳۷	۲۶۷	۹	۱۹	۲	۴	۱۵	۱۱	۵	۴	۶۲	۵۹
با درآمد متوسط روبه بالا	۶۸۳	۳۵۴	۱۰	۱۲	۲	۴	۱۰	۲۴	۴	۶	۷۳	۵۱
با درآمد متوسط و کم	۱۳۹۴	۷۳۱	۱۰	۱۵	۲	۴	۱۴	۲۰	۴	۵	۶۶	۵۴
آسیای شرقی و حوزه پاسیفیک	۵۸۵	۲۲۰	۷	۱۲	۲	۵	۵	۱۰	۲	۲	۸۱	۶۸
اروپا و آسیای مرکزی	۲۴۷	--	۶	--	۳	--	۲۰	--	۷	--	۵۶	--
آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۳۹۴	۱۴۵	۲۴	۲۶	۳	۴	۱۷	۲۴	۶	۱۲	۵۱	۳۴
خاورمیانه و آفریقای شمالی	۱۳۵	۱۲۷	۴	۳	۱	۱	۷۳	۷۸	۱	۳	۲۱	۱۷
آسیای جنوبی	۵۶	۲۷	۱۶	۱۶	۲	۵	۰	۲	۲	۴	۷۹	۷۱
شاخ آفریقا	۷۴	۶۶	۱۳	۱۳	۴	۳	۲۹	۲۸	۷	۷	۳۹	۲۰
درآمد بالا	۴۰۴۸	۲۶۱۰	۷	۸	۲	۳	۳	۵	۲	۳	۸۲	۷۹
اتحادیه اروپا	۱۵۸۳	۱۱۰۴	۹	۱۰	۱	۲	۳	۳	۲	۲	۸۲	۸۱

Source: World Development Indicators 2002/ Page 212.

عدم توسعه زیرساخت‌های اقتصادی در این کشورها بر می‌گردد.

منابع و مآخذ

1) Ajit K. Ghose/ Trade Liberalization and Manufacturing Employment/ International Labour Organization/ First Published/ 2000.

2) World Development Indicators/ The World Bank/ 2000.

حال توسعه بسیار چشمگیر بوده است. اما باید توجه داشت که این افزایش تنها در مورد محدودی از کشورهای در حال توسعه اتفاق افتاده و بیشتر کشورهای در حال توسعه از آزادسازی تجاری منتفع نشده‌اند و حتی در بعضی موارد به حاشیه رانده شده‌اند. به این ترتیب، در حالی که نمی‌توان گفت آزادسازی موجب فقر کشورهای در حال توسعه شده. در عین حال، نمی‌توان گفت که پایه صادراتی آنها از کالاهای اولیه کشاورزی به کالاهای ساخته شده تغییر پیدا کرده است و این موضوع بیشتر به

پروژه آزادسازی تجاری که از اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، به شدت موانع تجاری را کاهش داد و توافقاتی در دور اورگوتی و مذاکرات سازمان جهانی تجارت به کاهش تدریجی موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آن به تعرفه‌ها منجر شد.

نسبت صادرات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی کشورهای طی دهه‌های اخیر افزایش یافته است و مهم‌تر از آن، افزایش سهم صادرات کالاهای صنعتی در کل صادرات دنیا است که این نسبت در مورد کشورهای در

هستند که مدیر، بودجه را براساس ردیف‌های مشخص شده هزینه کند نه کمتر و نه بیشتر، حال آنکه باید از مدیر براساس ستانده‌ها (عملکرد و خروجی) بازخواست کرد.

وی در رابطه با بحث نایسته‌سالاری نیز گفت: نایسته‌سالاری به شکل فعلی تنها یک توصیه اخلاقی است، حال آنکه اگر سیستم را به گونه‌ای تغییر دهیم که مدیر برای عملکرد خود پاسخگو شود، آنگاه مدیران ارشد کشور مجبور خواهند بود که نیروهای متخصص و کیفی را به کار گیرند و نیازی هم به توصیه اخلاقی نیست.

این امر را کاهش قابل ملاحظه قدرت رقابتی محصولات ایرانی در برابر محصولات خارجی دانست و گفت: شاخص بهره‌وری سرمایه در ایران نیز در حال حاضر پایین (۶۴ صدم درصد در برابر هر یک واحد) است و اگر بتوانیم آن را به رقم ۷۵ صدم به ازای هر یک واحد برسانیم، ۳ درصد به رشد اقتصادی فعلی ما افزوده می‌شود. وی در پاسخ به این سوال که چرا بازده و بهره‌وری در شرکت‌های دولتی بسیار پایین است، گفت: متأسفانه در ایران شرکت‌های دولتی براساس نهاده‌ها (اعتبارات تخصیصی) ارزیابی می‌شوند و دستگاه‌های نظارتی نیز به دنبال آن

محمد کاظم ابراهیمی خرم‌آبادی در گفت و گو با خبرنگاران با اعلام این مطلب گفت: اگر به دنبال افزایش بهره‌وری برویم، می‌توانیم طی دو سال این ضایعات را تا ۲۰ درصد کاهش دهیم.

وی افزود: براساس گزارشی که مدتی قبل به هیأت دولت ارائه شد، شاخص بهره‌وری نیروی کار در ایران طی یازده سال (۶۵ تا ۷۶) تنها ۱۲ درصد افزایش یافته، حال آنکه در کشورهای در حال توسعه اقتصادی مانند تایلند و مالزی این میزان حدود ۷۰ درصد بوده است. ابراهیمی نتیجه

ضایعات کلان ناشی از کمبود بهره‌وری

دبیر پنجمین کنگره ملی بهره‌وری ایران اعلام کرده است که بی‌توجهی به بهره‌وری، روزانه ۴۰ میلیارد تومان هزینه را به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند و اگر روزهای کاری کشور را ۲۵۰ روز محاسبه کنیم، زیان سالانه کشور از بابت ضایعات کاری در بخش‌های تولیدی و خدماتی ۱۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود که این رقم تولید ناخالص ملی کشور را به شدت کاهش می‌دهد.